



چهار دختران

نشریه نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان



سر مقاله معرفی چهل دختران



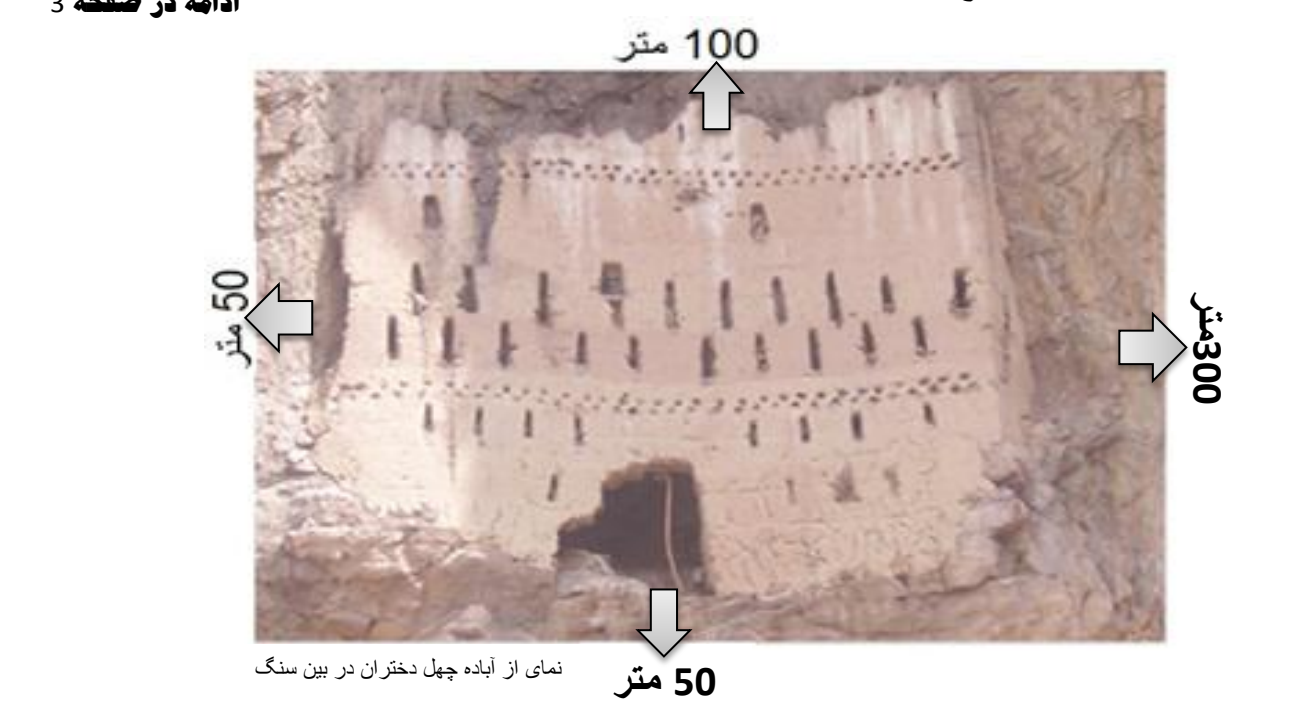
چهل دختران یکی از جمله آثار تاریخی مشهور منطقه الله یار بشمار میرود که از زمانه های سابق تا حال در بین باشنده گان ولایات غور و بادغیس شهرت خاص خود را دارد و از اینکه در سطح وسطی صخره بزرگی قرار گرفته است، رفتن به داخل آن آسان نبوده حتی نا ممکن میباشد. در قسمت پیشروی این یادگار، دره تنگ و باریکی وجود دارد که در فصل بهار مملو از آبشار و پیر از شور هلهله کبک و بلبل و دیگر انواع پرند گان بوده مزین با درختان سبز و زیبا میباشد.

مردم از اطراف و اکناف جهت دیدن این اثر به این جا می آیند و از آن بازدید می کنند. از سابقه تاریخی آن معلومات در دسترس نمی باشد ولی مردم منطقه این اثر تاریخی را یک اثر موجوده از نیاکان اسبق خود دانسته و برای کسی اجازه ورود در داخل آن را نمیدهند. این اثر تاریخی اغلباً در فصل بهار بیننده گان زیاد دارد طوریکه مردم از ولایات غور، هرات و بادغیس در روز های رخصت بطور میله با عاشره و مواد غذایی خویش به داخل دره چهل دختران می آیند تا از طراوت و تازه گی این یادگار نیاکان سابق خویش لذت ببرند و میله خوبی داشته باشند. آنها میله یکروزه را با کمال خوشی و شاد مانی با ثبت نمودن فیلم و عکس برداری میگذرانند و از اینکه در نزدیکی سرک عمومی غور و هرات قرار گرفته است، مسافرین وقتاً و فوقتاً حین رفت و آمد بخوبی از چهل دختران میتوانند دیدن نمایند.

واقعاً انسان زمانیکه با این محل میرسد، نشاط طبیعت را بر خود احساس میکند و روحیه شاد برایش نمودار شده و دلشش نوید میدهد تا هر سال از همچو اثر دیدن نماید از اینجاست که این اثر مهم تاریخی در این منطقه شناخته شده به همین خاطر مردم از آن به خوبی محافظت می نمایند و آنرا یک الگوی تاریخی برای نسل آینده خود میدانند. موقعیت چهل دختران: چهل دختران در قریه دره آسیاب سفلی ناوه غار الله یار موقعیت دارد.

رو بروی آن زیارت سید نورالدین ولی واقع است که به استقامت غرب آباده بوده و نیز قریه مذکور در آن سمت میباشد. البته خود ساختمان در وسط صخره جا دارد که از چهار سمت به فواصل آتی قرار دارد:

اگر این یادگار را مرکز قرار دهیم، از آن تا به نوک سنگ صخره 100 متر، تا قسمت پائین 50 متر، از طرف شرق الی اخیر صخره 300 متر و از سوی غرب الی سطح خاکی زمین نیز 50 متر مسافت دارد



سر مقاله

واژه فرهنگ معادل است به واژه ثقافت یعنی علم ادب در زبان عربی، علم ادب یا فرهنگ مفهوم نگهداری حد و اندازه چیز و یا شخصی را بیان میکند. ادب و فرهنگ دو اصطلاح مترادف اند که به زبان عربی ثقافت " علم ادب" و در زبان دری فرهنگ و در زبان های غربی کلتور، کلچر میگویند.

معنای لغوی فرهنگ عبارت از علم ادب، هنر، دانش، سنجیده گی، بزرگی، معرفت و تعلیم تربیه است.

معنای لغوی ادب در لغت عبارت از فرهنگ، دانش، هنر، شیوه پسندیده، اخلاق و رفتار نیکو، زیرکی و نگهداری حد و اندازه چیزی یا شخصی را گویند.

اصطلاح فرهنگ عبارت از مجموع دست آورد های یک جامعه و منطقه در سیر تکامل مادی و معنوی را گویند که این دو جز گسست ناپذیر یکدیگر در جامعه میباشند. همچنان میتوان فرهنگ آثار علمی، ادبی و فرهنگی یک قوم و ملت و تمام رسم و رواج، عنعنه، خوی و خصلت افراد یک جامعه را در بر میگردد که شامل معتقدات، هنرها، معلومات، اخلاق، رفتار و روش، رسم و رسوم و تمام تمایلات میگردد.

اصطلاح ادب، ادبیات جمع ادب بوده که واژه ادب در اصطلاح به علم و دانشی گفته میشود که شامل علوم: صرف، نحو، معانی، بدیع و بیان، عروض، قافیه، قوانین قرأت و انشاء میباشد پس میتوان گفت که واژه های فرهنگ و ادب مترادف اند.

افراد و اشخاصی که در یک جامعه زندگی میکنند از آثار ارزشمند و سنن فرهنگی خویش استفاده مینمایند و این آثار ارزشمند از دو بخش تشکیل میشود که عبارت از فرهنگ مادی و معنوی است.

فرهنگ معنوی عبارت از مجموع دست آورد های اخلاقی، هنری، علمی، فلسفی و اندیشه های قضایی و سیاسی میباشد که زبان، طرز تفکر، قواعد و قانون، رفتار و روش و احساسات نیز شامل فرهنگ معنویت میشود.

فرهنگ مادی: طرز پوشش لباس، تهیه مسکن، بنا و جاها مربوط فرهنگ مادی یک جامعه میشود. هر گاه اصطلاح فرهنگ به مفهوم علم، دانش، ادب، هنر، شعر، تعلیم و تربیه و اندیشه و تفکر استفاده گردد، خواهیم دانست که کشور عزیز مان افغانستان در بین فرهنگ های باستانی شرق و فرهنگ دوره اسلامی نقش براننده داشته است این سر زمین دارای مهد پرورش علم و دانش و زاد گاه بزرگترین شخصیت های مشرق زمین بوده است.

واژه فرهنگ در زبان های اروپایی کلتور نامیده میشود که ریشه اصلی آن از آثار ادبی (literature) در زبان فرانسوی گرفته شده است.

پس واژه فرهنگ به زبان دری و به واژه های کلتور و کلچر (culture) در زبان های غربی مترادف است. یا واژه های کلتور و کلچر از زمان های بسیار قدیم با واژه اصیل و سچه فرهنگ در زبان دری معادل بوده که در آثار ادبی نثر و نظم دری به فراوانی به کار رفته است. فردوسی طوسی میگوید:

- ز دانا بپرسید یکی دادگر
- چنین داد پاسخ بسو رهنمون
- که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
- که فرهنگ آرایش جان بود
- که فرهنگ بهتر بود یا گهر
- که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
- که فرهنگ آرایش جان بود
- که فرهنگ باشد روان تندرست
- که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
- که فرهنگ آرایش جان بود
- که فرهنگ باشد روان تندرست

فرهنگ نوی سان همچنان واژه " فرهنگ " را معادل لفظ " ادب " در زبان عربی دانسته و در فضیلت، کیاست، ظرفیت زبان، ذکاوت، قلب، حسن تناول، تهذیب در معاشرت و نگهداری حد هر چیز و هر کس میگویند.

عرب ها هم اصطلاح ادب را علم ریاضت و دانشی میدانند که انسان را صاحب فضیلت میسازد و از خطا و لغزش در عمل باز میماند. پس فرهنگ را تعریف می نمایم که عبارت است از مجموعه دست آورد ها، ساختها و اندوخته های مادی و معنوی یک جامعه، منطقه، قوم یا نژاد و ملت ها در طول ادوار تاریخ که از آن استفاده، پیروی و دفاع نموده اند.

لعل میر دانشور مرادی



The role of youths of Puissance in society

The youth are backbone and young blood of the society. They form the basic part, crucial segment of a community and are the base for future development in country. It has been cleared that the youth are not the only parts of the community, but the leaders of a society as well. With their powerful decisions and deep efforts they can uplift the society and bring tremendous changes. The Youth have legitimate rights to unite with other parts of the society and establish outstanding organization and management in society. The youth should take an active role in all areas such as cultural, social, economic and development factors. We intend to mobilize our youths to show up in rallies, press conferences, decision making process. As the part of community you have all these rights to implement. It is your obligation we must think about that. As soon as possible plan your work and work your plans. Join together and bring changes in your daily life, and make it your habit. As the youth you also represent your community's future. This is our home we must look after it. The youth are responsible to share their information and skills in order to make magnificent development in countrywide and society. By the grace of Allah our youths have already realized those things and are playing the key rule in community now. especially, the Youth of Ghor province in comparison with the past have already made huge changes in their society and it is considered as a big success and we are so proud of such youths as these. Thanks a bundle for their well-being and efforts concerning this nation. Those youths who are getting education in whole universities throughout the country from Ghor province, Allah willing they will bring further and massive changes in this nation and it is a dream coming true soon. I want to add some things else which are chiefly related to our broad-minded youths and as well as authorities. Unfortunately, today we can find some other youths within our community who doesn't set any plan for themselves and spend their valuable days and nights using drugs and playing games and do not spend their times for productive purposes. Such youths as these have no vision and we must get control of them. We must inspire and teach them responsibility in order to set certain goals for themselves. If we do not we will face to the same backbreaking problems as we have had in the past. With the help of school teachers, students and senior people we can achieve our goals successfully. Now it is time to wake up and let the society know that you have skills and what you are made of. Nothing can be happened if you do not try well. Everything is in your hand today. It is said that a little drop make showers (Qatra Qatra Darya Shaw' ad). If we have self-confidence little by little by the grace of Allah we will achieve our aims.

Help comes from Allah

Sakhi Murad "Ghoriyanfar" freshman at Kabul English Literature Department

معرفی شاعر دیگر الله یار

یکی از شعرای شیرین سخن کنونی الله یار ملا احمد باتخلص "فقیری" فرزند ملا اسلم باشندۀ قریه کمرک الله یار میباشد. نامبرده از اولادۀ قیصر الله یار بوده که در سال 1332 هجری شمسی در قریه یادشده تولد گردید. دوساله بود که پدرش دنیای فانی را وداع گفت و او زیر تربیه و نگهداری ماماهاى خود ملا محمد عمر و محمد عظیم از غار بالا قرار گرفت. در 15 سالگی به آموزش علوم دینی شروع نمود و تافقه وحدیث را نزد علمای محل فراگرفت. در حین آموزش علوم، خط نویسی را نیز تا اندازه آموخت. در سال 1361 هجری شمسی به پاکستان سفر نمود و به مدت یکسال در کویته پاکستان دروس تفسیر و قرآن کریم را نیز آموخت.

در 25 سالگی نزد آقای سید معروف استیبه مرید شمس تا از فیض وجود او به طریقت دست یابد. فقیری در قید حیات است و یکبار ازدواج کرده که ثمره اش سه پسر و چهار دختر میباشد.

در همان سالی که به آموزش شروع نمود، دختر زیباروئی را در خواب دید و عاشق او شد.

معشوقه ایرا که او در خواب دید، دختری بود بنام قمر رخ که اولین دویبتی خود را در شان او اینطور سروده است:

به لاله الله کسبم عرض ز دست دختر نصرا کسبم عرض
ازین جور جفای تو قمر رخ به شافع روز محشر گاه کنم عرض

این شاعر محلی دارای دیوان بزرگ شعری میباشد که بخاطر طبع به محترم نبی ساقی اهدا کرده است تا اگر خواست خداوند باشد، به طبع برسد. نمونه از شعر وی که بتاريخ 28 حمل 1391 عنوانی ماهنامه نهاد جوانان الله یار و آقای ساقی روان کرده، ذیلا به خوانش آورده می شود.

نظم ملا احمد "فقیری" عنوانی ماهنامه جوانان الله یار و آقای نبی ساقی :

نویسم نامه نی من از ره دور به یاران معارف مرکز غور
سلامی بیش از برگ درختان سلامی همچو مشک عطر کافور
برسم ارمغان تقدیم سازم به امیدى که گردد نامه منظور
نواى بلیان غور هر جاسست بهر تاریخ بهر عصریست مشهور
به پنجشیر ثبت تاریخ مانده یک شیر بصداه ثبت تاریخ شیر در غور
ضحاک مار دوش چنگیز خونریز ز دست شیر دلان غور در گور
شنیدم غزنویان شد سرازیر عقب رفتند تا ملک نیشاپور
جهان از غیرت غور است آگاه ندارد حاجتی سازیم منشور

فقیری کمترین قلب فگار ش

بنام پر غرور غور مسرور

از طرف ملا احمد "فقیری" باشندۀ قریه کمرک الله یار.

عاطفه " شریفی" محصله سال اول موسسه عالی تعلیم غور

رضایت شوهر

دختر وقتی در خانه پدر و مادر زندگی میکند باید رضایت آنها را فراهم سازد، لیکن وقتی که پیمان زناشویی را امضاء نمود و بخانه شوهر قدم نهاد وظیفه اش تغییر میکند.

در آنجا باید شوهرداری کند و رضایت و خشنودی او را بر همه چیز مقدم بدارد، حتی در جاییکه بین خواسته های پدر و مادر و بین خواسته های شوهرش نزاع هم پیدا شد صلاحش در اینست که از شوهر اطاعت نموده اسباب رضایت او را فراهم سازد، گر چه پدر و مادرش رنجیده شوند، زیرا با جلب رضایت شوهر، رشته انس و محبت که بهترین ضامن بقای عقد زناشویی است محکم میگردد، لیکن اگر مطابق میل مادرش رفتار کرد ممکن است آن پیمان مقدس متزلزل یا از هم گسیخته شود، زیرا بسیاری از مادرها از تربیت صحیح و رشد فکری بهره کافی ندارند.

آنها هنوز این مطلب را درک نکرده اند که باید دختر و داماد را بحال خود آزاد گذاشت تا با هم مانوس شده تفاهم نمایند، برنامه زندگی را بر طبق اوضاع و شرائط خودشان تهیه نموده باجرا گذارند، و اگر در این بین بمشکلی برخورد نمودند با مشورت و تفاهم حل کنند.

چون این مطلب را که عین صلاح است درک نکرده اند در صدهستند بخیال خودشان، داماد را بر طبق دلخواه بار بیاورند، بدین جهت مستقیم و غیر مستقیم در امور آنها دخالت میکنند. در این راه از دخترشان که جوان است و سرد و گرم روزگار را نچشیده و بهمه مصالح حقیقی خودش آگاه نیست استفاده نمی نمایند. او را آلت و ابزار نفوذ در داماد قرار می دهند، مرتب دستور می دهند با شوهرت چگونه رفتار کن، چه بگو، چه ننگو. دختر ساده لوح هم چون مادرش را خیرخواه و آشنای بمصالح می داند از او اطاعت نموده نقشه هایش را پیاده میکند. اگر داماد تسلیم خواسته های آنها شد حرفی نیست لیکن اگر خواست اندکی مقاومتی نشان بدهد کار بمنزاع و کشمکش و لجاجتی خواهد کشید، در آنصورت آن زنهای نادان ممکن است آنقدر پافشاری کنند که دختر و دامادشان را فدای لجاجتی وخیره سری خویشان ساخته زندگی آنها را از هم بپاشند، بجای اینکه دختر را بزنگی و سازگاری تشویق نموده دلداریش بدهند مرتباً از شوهرش بدگویی میکنند: دخترم را بدبخت کردم. چه شوهر بدی نصیبش شد! چه خواستگارهای خوبی برایش آمدند! پسر عمویت چه زندگی خوبی دارد!

دختر خالهات چه سر و لباسی دارد! فلانی برای خانمش فلان لباس را خریده! دختر من از کی کمتر است؟ چرا باید اینطور زندگی کند؟ آخ بیمرم برای دختر بدبخت!

با این قبیل سخنان که بعنوان دلسوزی و خیرخواهی ادا می شود دختر ساده لوح را از شوهر و زندگی دلسرد نموده اسباب نارضایتی و بهانه گیری او را فراهم می سازند. به وسیله این تلقینات سوء و ادارش میکنند ناسازگاری و بهانه جویی کند، و کار را به شوهرش سخت بگیرد، در موارد لازم خودشان نیز بحمایت برخاسته قولا و عملا او را تائید نمی نمایند، و برای پیروزی، بهمه چیز حتی طلاق گرفتن و بدبخت کردن دخترشان حاضرند.

دختریکه از این قبیل مادران نادان و خودخواه اطاعت کند و از افکار غلطشان سرمشق بگیرد بدون تردید به سعادت و خوشبختی خودش لطمه غیر قابل جبرانی وارد خواهد ساخت.

نویسنده: حامد "رفیق"

ادامه معرفی چهل دختران

در غرب این آباده دریای دره آسیاب از غرب به شرق جریان دارد و در حصه چهل دختران مسیر خود را از جنوب به شمال تغییر میدهد. این دریا آب فراوان داشته در طول سال آب آن یخ نمی زند. چهل دختران از اینکه در وسط منطقه الله یار واقع گردیده و نیز خودش در وسط سنگ بزرگی قرار گرفته است، انسان را به حیرت می اندازد که چگونه به داخل آن وارد شود.

فاصله چهل دختران از سرک ناوه رخنه 200 متر اندازه شده و تا به زیارت خواجه سید نورالدین " ولی" که رو بروی چهل دختران قرار گرفته است 500 متر فاصله دارد.

در سال 1379 هجری شمسی یک تعداد از مردم منطقه الله یار گردهم آمدند تا داخل این اثر تاریخی شده دریابند که در آن چه خواهد بود! و نیز فاصله داخل غار تا چه اندازه خواهد بود؟! آنها آقای محمد "افضلی" را از قسمت فوقانی آن کمر با تباب به داخل آن پائین کردند. موصوف به بسیار سختی و مشقت به داخل غار این ساختمان شد. نظر به گفته شخص مذکور، به داخل آن بدون از یک کوزه خشتی رنگی، دیگر چیزی وجود نداشت و ساحة داخل آن تقریباً به چهار متر مربع میرسد و بلندی آن حدود کمی بلندتر از قد یک انسان میانه قد بود.

ساختمان چهل دختران: طوریکه فعلاً مشاهده میشود، چهل دختران از یک ردیف خشت خام با همراه گل ساخته شده بوده اما دیوار اش بسیار مستحکم بوده است. از صدمه باران و رطوبت نیز بخوبی مصون بوده از اینرو ساختمان اصلی آن سالم مانده است. طبق مشاهده آقای افضلی ساختمان داخلی آن نیز مستحکم و سالم و منقش بوده همانند دیوار رنگ کرده میباشد در حالیکه بیرون آن فعلاً چنین نیست از طرف دیگر، روزنه های زیادی در آن ساخته شده که تعداد آنها به 32 عدد میرسد و فقط دارای یک دروازه در قسمت تحتانی خود میباشد. در حصه زیرین دو زینه اساسی وجود داشته که یکی از طرف راست و دیگری از طرف چپ اما حالا زینه وجود ندارد بلکه فقط جای زینه ها واضح معلوم میشود.

وضع فعلی ساختمان: طوریکه مشاهده گردید، چهره ظاهری ساختمان فعلاً زیاد خرابی ندارد اما به اثر باران و طوفان های شدید چهره آن تا حدودی تغییر فیزیکی نموده است. دیوار آن از طرف بالایی یک اندازه خرابی شده؛ لیکن از داخل آن فعلاً کدام اطلاع در دست نمی باشد با آنهم از وضع ظاهر آن معلوم میشود که داخل آن نیز ثابت خواهد بود و همچنین کدام راهی وجود ندارد که انسان به داخل آن خود را برساند. تعداد روزنه ها در ساختمان: طوریکه پیشتر گفته شد، در روی این ساختمان به تعداد 32 شکاف به چشم میخورد. اینها بشکل زاویه قائم بوده اما بسیار زیبا و مقبول جور شده اند. در قسمت فوقانی آن یک تعداد شکاف های کوچک نیز وجود دارند. دروازه آن در پایین شکاف ها قرار دارد. نظر به اظهارات محمد "افضلی" کلانی دروازه آن به یک متر مربع میرسد.

وجه تسمیه: در اثر تجسس زیاد و مصاحبه ها با یک تعداد مردم کهن سال منطقه موفق به دریافت یک سلسله گفته های فولکلوریک شدم که بعضی از آنها را ذیلاً بازگو مینمایم:

در سابق در دره چهل دختران به تعداد چهل دختر پری وجود داشته بود. خواجه سید نورالدین ولی با یکی آنها عاشق شده بود. وی وصی کرده بود که بعد از فوت، او را روبروی چهل دختران دفن نمایند تا روحش از دیدن این چهل دختر پری شاد باشد که مردم قریه نیز چنین کردند.

یک فولکلور دیگر حکایت از این دارد که در آنجا چهل دختر زنده گی روزمره خود را ادامه میدادند اینرو به این نام مسمی شده است. مرحوم گل احمد "رضا زاده" یکی از محاسن سفیدان منطقه الله یار (نامبرده به سن 75 سالگی بتاريخ یوم دوشنبه 1391/ 4/2 دارفانی را وداع کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد) به من گفت که او به همراه رفیقان اش هریک محمد زرین و محمد طیب جهت آرد کردن به دره آسیاب رفته بودند. آن شب جمعه بود، آنها به چشم سر خود دیدند که یک آتش مشابه به چراغ، اول شب از زیارت خواجه سید نورالدین ولی به هوا بلند گردید و بعد به ساختمان چهل دختران داخل شد. آنها این آتش را تعقیب نمودند تا اینکه بامداد برگشت و به مزار خواجه سید نورالدین ولی پائین آمد. وی اضافه نمود که معمولاً هر سال این اتفاق می افتاد.

دره کنونی چهل دختران: در فصل بهار در داخل این دره آبشار ها و درخت های سبز زیاد وجود دارند که باعث شور و نوا و لهله های مرغان خوش الحان می شوند.

در سمت شمال غرب آن کوهی قرار گرفته که بنام سیاه کوهک در این منطقه مشهور است. این کوه هم دره های زیبایی خودش را دارد که در فصلهای بهار و تابستان بسیار زیبا و قشنگ گردیده به حدی که طبع انسان را در این فصلهای شاداب، معطر و با طراوت میسازد.

حالت موجود ه: از ساختمان روی سنگ بزرگ یک پایه زینه تابه داخل دره موجود بوده که در آنجا نیز غاری وجود داشته و پیش روی آن نیز دیوار بوده است. با گذشت زمان و تاثیر اوضاع جوی، زینه فرو پاشیده و دیوار پیشروی آن غار نیز تخریب شده است که حالا جای گوسفندان (گاش رمه) ساخته اند. به نسبت ایجاد ناامنی ها در اثر مناقشات قومی، عدم موجودیت پولس در منطقه و نزدیکی با سرک عمومی رفت و آمد غور - هرات، وضعیت کنونی چهل دختران چندان خوب نمیباشد. ریاست محترم اطلاعات فرهنگ نیز در این راستا کاری کرده نمیتواند بناءً اگر وضع امنیتی در منطقه بهبود یابد، مردم در حفاظت آن کوشش خواهند نمود تا همچو آثار همان طوریکه از طرف نیاکان ایشان برای آنها یک الگوی تاریخی و یک نشانه واقعاً زیبا باقی مانده، آنان هم بتوانند آنرا برای نسل آینده خود منحصت یک الگوی تاریخی و یک اندیشه نیا کانی باقی نگاهدارند.

عبدالبعیر " نادر افشار " شاگرد صنف 12

